

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

پند

شنیدم که مردی دغلباز بود
قضا را یکی مرد آزاده ای
پدیدار گشتی فرزان ز دور
فرو کرد دستی به جیب کریم
سُبُک آن سخی مرد دستش گرفت
تولا همیکرد مرد لثیم
بخشای بر من که بد کرده ام
فقیرم ندارم ره و توشه ای
تأمل نمود آن سخی مرد بیش
بگفتا تو ای مرد صاحب جمال
کنون که تو دستی به جیبی زدی
نگیرد دل من ز فکرت قرار
جهان گر بتو مهر و رزیده بود
ز هر کیسه ای پیسه ای میر بود
سخی طبع و دانا کرم پیشه ای
دغاپیشه را حرص بنموده کور
نکردی ازان کورده خویش بیم
برآورد دستی و سختش گرفت
سرافکنده ام زین گناه عظیم
یکی بد نه بلکه دوصد کرده ام
نه کاری نه مزدی و نی پیشه ای
رها کرد دست و بخواندش به پیش
به دزدی نباید ببندی خیال
بدان اینکه بر من نهیبی زدی
توئی حاصل زشت این روزگار
کنون حال تو کی بدین گونه بود

ملامت نه تنها توئی در خصال
توئی آن توانا جوانی به فرد
بیا نـزد من تا توانت دهم
برم نـزد عمال دولت ترا
دهم منصبی در خـور شان تو
مگو اینکه دستی تو بر ما زدی
زبـون مرد رنگی ز رخ باخته
گروه دگر داده اندت مجال
که شلاق دنیا رخت کرد زرد
توانی به روح و روانت دهم
سرافراز سازم به خلعت ترا
که آرام گیرد ز غم جان تو
که آن دست بر خوان یغما زدی
بشد حالیش آنچه دریافته

کرم کرد دانا به آن مرد ریش

کرم سرفرازی بیارد به پیش

(المان - 22 اگست 2011)